

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر محمد هاشم رائق

۰۸ دسمبر ۲۰۲۴

یادی از کابل قدیم!

کابل در درازنای تاریخ، در احساس چکامه سرایان، در چشم تمدن، در قلب آسیا، در خاطره های اشغالگران و در ایمن بسا مردم شهر با ارزش کو دارنده ویژگی مقدس بوده است .

یکی از صدها داشته این شهر کهن سال که امروز از نظر افتاده (مداح) های روی بازار است که قابل یاد آوریست .
مداح : به یک گروه از مردان با وقار، فهمیده و فصیح البیان و خوش آواز اطلاق می گردید که معمولاً در بین مردم عوام از شهرت خوب برخوردار می بودند. اکثراً در گذرها و کوچه های مزدحم شهر کابل همراه یک همکار و یا شاگردی ظاهر می شدند و به قصه خوانی می پرداختند شهنامه خوانی می کردند و اشعار رزمی شعرای بزرگ فارسی زبان مانند شهنامه حکیم ابوقاسم فردوسی، امیر حمزه صاحب قران و غیره را به آواز بلند می خوانند و قسمت حساس و هیجانی با دست تمثیل می کردند. معمولاً این کار در بازارهایی که دکان ها زیاد می بود در وقتی که عابران نسبتاً کم تر و دکاندارها اکثراً به علاقه گوش می دادند و اگر خرید و فروش هم می کردند به آرامی و آهستگی صورت می گرفت.
درین اشعار رزمی شهنامه خوانی مردم را به دلاوری و ایستادگی در برابر تجاوز خارجی و مردانه زیستن و عیاری و جوانمردی فرا می خواندند در حقیقت به مردم درس شجاعت و دلاوری و وطن دوستی می دادند و گاهی می شد این مداح ها گرز و نیزه و سپر و شمشیر با خود حمل می کردند که گوئی پیش چشم تماشاچی رستم داستان پدید آمده و رزم آرائی می کند .

آورده اند که تمثیل این فعالیت در زمان لشکرکشی انگلیس به افغانستان (تجاوزات اول و دوم) از طرف شاهان دست نشانده انگلیس منع قرار داده شده بود. اما تاریخ هویدا است که ملت افغان با انگلیس چه کرد. معمولاً مداح در بازارهایی که دکان های زیاد می بود مانند بازار چته و یا شور بازار ظاهر می شدند و دکاندارها به علاقه خاص تا آخر گفتار مداح ها گوش می کردند و در آخر شاگرد مداح دم هر دکان رفته پول جمع می کردند.